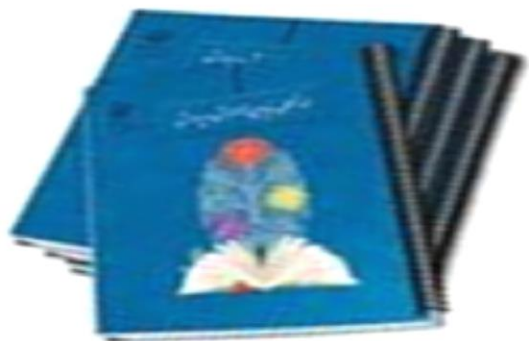




جلسه ۹۹.۲.۱۶
ادامه چگونگی تربیت رسمی و عمومی

فلسفه تربیت رسمی و عمومی

دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر

مدرس: فرشته حلت
نیم سال دوم ۹۹-۹۸

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

خردورزی

در ادامه بحث جلسه قبل که چند اصل ناظر به روابط درونی را ذکر کردیم این جلسه نیز اصول دیگری که ناظر به این روابط می باشد بیان می نماییم.

📌 خردورزی

تلاش و تکاپو برای رسیدن به غایت زندگی درگرو بهره گیری و به کا رگیری ظرفیت های سازنده و تعالی بخش آدمی است. از جمله ظرفیت های خدادادی تعقل و خردورزی است. آدمی به کمک عقل قادر خواهد بود واقعیت ها و حقایق تربیت و لوازم عملی مرتبط با آن ها را بشناسد. لذا اساساً عمل تربیت، عملی خردورزانه و مستلزم آگاهی است. تربیت رسمی و عمومی در مسیر تکاپوی تعالی بخش خود، همواره با چالش های بسیار مواجه است و راهکارهای برون رفت از این چالش ها و مسائل پیش رو بی شک مستلزم مواجهه خردمندانه با آن هاست.

مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

■ پژوهش محوری و بهره مندی از نتایج پژوهش ها در حوزه های مرتبط و نظریه های علمی در روند سیاست گذاری، تصمیم گیری، اصلاح و هدایت تربیت رسمی و عمومی.

■ بهره مندی مناسب از تجارب بین المللی در عرصه اعتلای نظام تربیت رسمی و عمومی.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

خردورزی - حفظ و ارتقای آزادی

- بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات به مثابه یکی از محورهای توسعه کمی و کیفی فرصت های تربیتی باتوجه به نظام معیاراسلامی.
- توسعه و ارتقای توانمندی های فکری و عقلانی مربیان (کارگزاران) تربیت رسمی و عمومی.
- توجه به شورا و خرد جمعی در سطوح مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی.
- ارتقای توانمندی های فکری و عقلانی متربیان.
- بهره گیری از حوزه های معرفتی مرتبط با تربیت به صورت میان رشته ای.

حفظ و ارتقای آزادی

انسان موجودی مختار آفریده شده است. از این رو انسان ها ذاتاً میل به آزادی دارند. آزادی یکی از شروط شناخت و تحقق ظرفیت های گوناگون آدمی و به طریق اولی شرط لازم تکوین و تعالی هویت آدمی است .

آزادی، در واقع شرط دین ورزی و تخلق آحاد جامعه و به تبع آن دین ورزی و تخلق جامعه است پس، چگونگی بهره گیری از نعمت آزادی امری فطری و ذاتی نیست و امری یاد گرفتنی است. لذا انسان باید، چگونگی بهره گیری از آن را تجربه کند و در موقعیت های زندگی یاد بگیرد .

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

حفظ و ارتقای آزادی

نتیجه چنین مقدماتی آن است که جامعه و نهادهای مرتبط به ویژه تربیت، این زمینه ها را فراهم آورد. از این رو، یادگیری شیوه بهره مندی از آزادی خدادادی از طریق عمل اختیاری و آگاهانه رخ می دهد .

تربیت رسمی و عمومی، این سازو کار اثرگذار در زندگی عصر حاضر، باید حفظ و ارتقای آزادی را **اصل راهنما در عمل مربی** در نظر بگیرد .
تحقق اصل آزادی در موقعیت های تربیت رسمی و عمومی امری تشکیکی است . به این معنا که از جنبش و فعالیت جسمانی تا فعالیت های پژوهشی و فکری و خردورزانه را در بر می گیرد. منظور از آزادی مورد نظر در فلسفه تربیت رسمی صرفاً **"آزادی از"** نیست بلکه با توجه به شرایط مدرسه **"آزادی در"** است. که اولی **جنبه سلبی** آزادی است و دومی **جنبه ایجابی** آن .

در جنبه ایجابی که در آن **حدود آزادی و عمل** تعیین می شود بی تردید مشارکت همه افراد در ایجاد و مهم تر از آن فهم و درک آن حدود و قواعد در پذیرش آن نقش مهمی دارد .

می توان در این راستا بیان داشت که: **عمل و فعالیت** یادگیرنده در موقعیت های تربیتی ضروری و با اهمیت است . به سخن دیگر، یادگیری عمل مربی است و این عمل، عملی اختیاری و آگاهانه است و قصد و کوشش متربیان ، شرط لازمی برای آن است، تا به کسب معرفت و شایستگی های پایه برای تعالی وجودی مربی منجر گردد.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

حفظ و ارتقای آزادی

برخی از مصادیق این اصل عبارت اند از:

- تکیه بر آزادی عمل و تجربه فردی متربیان، متناسب با شرایط رشد آنها در جهت کسب شایستگی ها در چهار چوب موقعیت مدرسه.
- تأکید بر مسئولیت مربی در امر یادگیری (زیرا لازمه تحقق اصل آزادی است).
- زمینه سازی برای تحقق آزادی معنوی متربیان.
- فراهم نمودن تجربه گزینش، انتخاب و ترجیح برای متربیان.
- بهره گیری از روش های فعال در جریان مدیریت فرایند یاددهی یادگیری .

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

سندیت شایستگی محور مربیان

سندیت شایستگی محور مربیان

سندیت مربی هیچ منافاتی با آزادی مربی ندارد. زیرا مربی می تواند با درک درست از شرایط رشدی مربی برای او شرایط انجام عمل اختیاری و آگاهانه را فراهم آورد. روشن است که این مرجعیت باید اساساً از تعالی و شدت وجودی مربیان برخاسته باشد، نه صرفاً از اقتدار رسمی و قانونی ایشان. پیامبر(ص) که خود مربی بزرگ بشریت است، نیز به بیان قرآن(۱)، بر مردم این سیطره را نداشت، بلکه ایشان تنها تذکردهنده و هدایت گر بوده اند. انتخاب راه هدایت با مردم بوده است.

این سندیت و اقتدار مربی در تربیت رسمی و عمومی واجد چند ویژگی مهم است:

- ۱- این که انعطاف دارد، یعنی تابع شرایط رشدی مربی، ساحت تربیتی و انواع تربیت است.
 - ۲- این گونه سندیت و مرجعیت مربیان با عنایت به اصل حفظ و ارتقای آزادی مربیان، محرک مشارکت و تعامل با مربیان است
- اهم مصادیق این اصل عبارت اند از:

- توجه به اقتدار شخصیتی مربی ناشی از احراز شایستگی اخلاقی و حرفه ای، به ویژه در فرایند گزینش و تربیت معلم
- فراهم نمودن فرصت های عمل آزادانه و خلاقانه برای مربیان در ارائه برنامه های تربیتی در چهارچوب اصول و سیاست های مصوب.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

محبوبیت و مقبولیت مربیان

محبوبیت و مقبولیت مربیان

محبوبیت و مقبولیت مربیان منوط به برقراری رابطه احسان و عدالت است. زیرا رابطه عدالت و احسان که از اصول حاکم بر روابط بین افراد در مدرسه است مانع از تحقق این احتمال خواهد شد که اقتدار و سندیت مربی یا کارگزاران مدرسه به سخت گیری و خشونت علیه متربیان و به حاکمیت جوی استبداد منبشانه در مدرسه بیانجامد.

در واقع سندیت مربی، با توجه به رابطه عدالت و احسان که حاکم بر روابط درون مدرسه اسلامی است، تعدیل می گردد. به سخن دیگر، جو عاطفی، اخلاقی و مهرورزانه ای در محیط تربیت رسمی و عمومی به وجود می آید که ناشی از محبوبیت و مقبولیت مربیان است. در قرآن بر این رابطه مهرورزانه پیامبر با مؤمنین اشاره شده است.^(۱) عامل اصلی جذب مؤمنین به ایشان و جاذبه شخصیتی پیامبر(ص) همانا مهر و محبت بوده است.

مربی باید در کنار سندیت، چنین محبوبیتی را دارا باشد تا نقش وی، که زمینه ساز تحولات رشد یابنده هویت متربیان است، به درستی تحقق یابد.

۱- (سوره آل عمران)، (۱۲۸ توبه)

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

محبوبیت و مقبولیت مربیان

معلمانی که چه به نحو توصیفی و چه تجویزی اُسوه و الگو شده اند بدون داشتن این محبوبیت و مقبولیت نمی توانند این نقش را به درستی ایفا نمایند .

شایان ذکر است که نقش الگو و پیروی بر معلمان و به نحو اولی بر پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) تأسی آگاهانه است . در این نظام تربیتی تأسی کورکورانه هیچ ارجی و ارزشی ندارد.

برخی مصادیق این اصل عبارت است از:

- تأکید بر شایستگی های اخلاقی مربیان در هنگام گزینش و تربیت نیروی انسانی.
- تأکید بر ایجاد رابطه عاطفی بین مربیان و متربیان.
- تأکید بر ایجاد ساختار عادلانه در مناسبات درونی مدرسه .

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

تعامل همه جانبه

تعامل همه جانبه

فراهم آوردن زمینه مناسب برای تکوین و تعالی هویت متربیان در فرایند تربیت رسمی و عمومی نیازمند تعامل و همکاری بین عناصر اصلی و محوری آن است .

تعامل در **معنای عام** ناظر به عمل متقابل و همفکرانه تمامی عناصر تربیت رسمی و عمومی است و در **معنای خاص** ناظر به رابطه بین مربی و متربی است .مربیان و متربیان باید در تعامل مستمر باشند .این تعامل از سوی مربیان شامل زمینه سازی (در دو بعد سلبی و ایجابی) و از سوی متربیان بهره گیری و عمل برای تحقق ظرفیت های وجودی است.

تعامل در واقع، به تشریک مساعی متقابل در موقعیت تربیتی بر می گردد .مربی و متربی به فراهم کردن شرایط مناسب و مساعدی در موقعیت های تربیتی اقدام می کنند که تعالی و رشد متربی و حتی مربی را به دنبال دارد .درحقیقت تعامل مربی و متربی در موقعیت های تربیتی، **تعاملی تعالی بخش** است.

شروط تحقق چنین تعاملی، اصول آزادی و سندیت(اصول قبلی که بیان شد) و همچنین حاکمیت اصل عدل و احسان بر روابط درون- مدرسه ای است.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

تعامل همه جانبه

قابل ذکر است که تعالی ورشد، نخست در موقعیت نمود می یابد و سپس در متربی و مربی. البته، تراز تعامل بین مربی و متربی در موقعیت های تربیت رسمی و عمومی، یکسان و برابر نیست، بلکه تراز تعامل، موضوع تشکیکی و تابع شرایط رشدی متربیان است، با این توضیح که در فرایند تعامل بین مربیان و متربیان، سندیت و مرجعیت نسبی (ناشی از شایستگی های کسب شده مربی) از آن مربیان است.

برخی مصادیق این اصل عبارت اند از:

- همکاری متربیان در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های تربیتی مدرسه، متناسب با سطح رشد آنها.
- همکاری مربیان در تولید طرح ها و برنامه های تربیتی و اصلاحی، تولید محتوا، تصمیم گیری ها در سطح مدارس مناطق و کشور، از طریق تشکل ها و انجمن های علمی و حرفه ای.
- تعامل متربیان و مربیان در هدایت روند یاددهی - یادگیری در فرایند فرصت های تربیتی مدرسه .

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

همه جانبه نگری

همه جانبه نگری

از یک سو موضوع تربیت انسان است که موجودی پیچیده و دارای شئون مختلف وجودی است و از دیگر سو فرایند تربیت که برای تحقق ظرفیت های مختلف و متداخل متربیان شکل می گیرد که فرایندی پیچیده است و عوامل و علل گوناگونی در آن حضور و نفوذ دارند. بر این اساس شناخت ظرفیت های وجودی انسان، فهم و درک عوامل و علت های مداخله گر و ذی نفوذ در فرایند تربیت به نحو عام و در تربیت رسمی و عمومی به نحو خاص و هدایت آن مستلزم نگاهی باز و جامع و همه جانبه نگر است. از این رو نگاه کاهش گرایانه به موضوع و فرایند تربیت مقبول نیست.

مصادیق این اصل عبارت اند از:

- توجه به تمامی شئون وجودی متربیان در طراحی برنامه ها و فعالیت های تربیتی.

- توجه به همه ابعاد و لایه های هویت (انسانی، اسلامی، ایرانی و....).

- نگرش نظام مند در هدایت تحولات در نظام تربیت رسمی و عمومی.

- توجه به ساحت های مختلف تربیت.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

یکپارچگی

یکپارچگی

- فرایند تربیت در عین دارا بودن عناصر، اجزا و فرایندهایک امر واحد و یک پارچه است. لذا باید از کاهش گرایی یا توجه افراطی به برخی فرایندها و مؤلفه ها و نادیده گرفتن برخی اجزا، دوری کرد.
- مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:
- توجه به وحدت هویت متربیان.
 - توجه به وحدت مراحل رشد و پیشرفت متربیان.
 - توجه به یکپارچگی برنامه ها و فعالیت های تربیتی در طول مراحل و سطوح تربیت رسمی و عمومی.
 - عدم بهره گیری از ترکیب عاطفی « آموزش و پرورش » یا « تعلیم و تربیت » .
 - هماهنگی ارکان و مؤلفه های تربیت رسمی و عمومی .

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

حق محوری و مسئولیت پذیری

حق محوری و مسئولیت پذیری

علاوه بر این که فرایند تربیت رسمی و عمومی در کلیت خود (به مثابه فرایند سازنده و تعالی بخش) در کلیت خود بر اساس حق و حقوق متقابل انسانی و کرامت او شکل می گیرد، سازو کارهای درونی و روابط بیرونی آن نیز با نظام حقوقی جامعه ارتباط وثیق و مستحکمی دارد.

از این رو رعایت حقوق دیگران یکی از ملاک ها و معیارهای راهنمای عمل مربیان و کارگزاران تربیت رسمی و عمومی است. همان گونه که در مبانی حقوقی بحث شد رابطه حقوقی رابطه ای متقابل است. به این صورت که اگر برای مربی حقی وجود دارد برای مربی تکلیف و مسئولیتی است و اگر برای مربی حقی است برای مربی نیز مسئولیتی در قبال آن حق در نظر گرفته می شود.

مصادیق این اصل عبارت اند از:

- رعایت حقوق و تکریم مربیان در عین مسئولیت پذیری آن ها نسبت به تکالیف.
- رعایت حقوق و تکریم مربیان همراه با لزوم پاسخ گویی ایشان نسبت به وظایف محوله.
- رعایت حقوق و تکریم اولیا در عین پاسخ گو دانستن ایشان در خصوص انجام وظایف تربیتی خود نسبت به فرزندان.
- برقراری رابطه مسئولیت و احترام متقابل بین مربیان، مربیان و اولیا.
- مراقبت و دیدبانی فرایندها و جریان های تربیت رسمی و عمومی از منظر حقوقی توسط نهاد ویژه و مستقل.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

پویایی و آینده نگری

پویایی و آینده نگری

از یک منظر تربیت رسمی و عمومی به دلیل دارا بودن اهداف کوتاه مدت و بلند مدت، نشان از پویایی یک جامعه دارد. در واقع، سازو کار عقلایی برای عطف توجه به آینده است. این نگرش به آینده نه از جنس آینده نگری بلکه از جنس آینده سازی است. یعنی جوامع با ابداع و تعریف ساز و کار نهادینه شده تربیت رسمی و عمومی، نشان می دهند که قصد دارند آینده ای را با طرحی تعریف شده و با توجه به تجارب گذشته - هر چند نه با تعیین جزئیات بسازند. اما با وجود این همه تلاش و کوشش ابنای بشر و جوامع آن ها، تغییر و تحول در ساختارهای اقتصادی، فناوری، دانش ها، فرهنگ و هنر و روابط سیاسی جلوه برجسته جهان و حیات اجتماعی بشر امروزی است. سازوکارهای اجتماعی متناسب با مقتضیات و شرایط تحول یافته، ظهور و بروز می یابند. نهادها و مؤسسات اجتماعی نیز در تناسب با تحولات اقدام به بازسازی خود می نمایند. تربیت رسمی و عمومی، که نماد پویایی هر جامعه و یکی از سازوکارهای نهادینه شده اجتماعی است، باید در مواجهه با تغییرات و تحولاتی که در عصر حاضر بسیار سریع و روز افزون اند، فعال باشد. یعنی ضمن در نظر داشتن چهارچوب های مشخص متناسب با مقتضیات تحولات، در اجزا و عناصر خود تغییر ایجاد کند.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

پویایی و آینده نگری

آثار این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

- انعطاف پذیری در اهداف، سیاست ها، برنامه ها و روش ها در چهارچوب اصول متناسب با نیازهای جدید متربیان و تحولات جامعه برای افزایش پیوسته کیفیت.
- توجه به نیازها و شرایط جدید و آینده جامعه محلی، ملی، جهانی متربیان و اتخاذ تصمیم مناسب در قبال آن.
- بومی سازی رویکردهای جدید جهانی در تربیت رسمی و عمومی، از طریق انطباق با اصول فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی و عمومی
- آینده نگری و توجه به روندهای آینده در حوزه های مختلف معرفت بشری.
- بهبود مستمر کیفیت فرآیند و نتایج تربیت رسمی و عمومی.
- نظارت و ارزش یابی مستمر از فرایند تربیت رسمی و عمومی.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

استمرار

استمرار

انسان موجودی رشد یابنده است، هرچند این رشد جریانی واحد و دارای مراتبی تشکیکی است به تبع این واقعیت فرایند تربیت امری مراتبی، چند جانبه و در عین حال پیوسته است.

رعایت این اصل در تربیت رسمی و عمومی شامل مصادیق زیر است:

- توجه به مراتب مختلف اهداف تربیت در سطوح و مراحل تربیت رسمی و عمومی
- پیوستگی و انسجام محتوایی بین سطوح و مراحل تربیت رسمی و عمومی
- توجه به فراهم کردن زمینه های لازم برای استمرار یادگیری در طول زندگی
- توجه به پیوستگی تجارب یادگیری و معنادار شدن آنها (فرایند فهم) برای متربیان.

فعالیت (پاسخ به سوالات)

با مطالعه دقیق مطالب دو جلسه (چگونگی تربیت رسمی و عمومی) به سوالات ذیل پاسخ داده و در Google forms براساس لینکی که اعلام می گردد ارسال فرمایید. (زمان ارسال تا ۹۹.۲.۲۰)

۱- جایگاه اصول ناظر بر روابط درونی در تربیت رسمی و عمومی چیست؟

۲- دلالت اصول ناظر بر روابط درونی در تربیت رسمی و عمومی در عمل کارگزاران تربیتی را شرح دهید.

۳- با توجه به اصولی که در این دو جلسه بیان گردید، برنامه واقدامات جاری در تربیت رسمی و عمومی را چگونه ارزیابی می فرمایید. (در دو تاسه سطر شرح

دهید.)

موفق باشید